



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.Ghaemiyeh.com  
www.Ghaemiyeh.org  
www.Ghaemiyeh.net  
www.Ghaemiyeh.ir



پرورشهای  
معنوی و اخلاقی  
عاشورا

غلامرضا گلی زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پرورشهای معنوی و اخلاقی عاشورا

نویسنده:

غلامرضا گلی زاده

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	پرورش‌های معنوی و اخلاقی عاشورا
۶	مشخصات کتاب
۶	چشمه جوشان کربلا
۷	مقدم داشتن شرافت دین بر هر چیزی
۸	ایجاد روحیه حق طلبی و احقاق حق
۹	ایجاد آگاهی در میان انسان‌های غافل و بیدار کردن فطرت‌ها
۹	ایثار و فداکاری
۱۰	توحید عبادی
۱۱	مقاومت، پایداری و شکیبایی
۱۲	قاطعیت، صراحت و صداقت
۱۳	غیرت و عزت
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## پروژه‌های معنوی و اخلاقی عاشورا

### مشخصات کتاب

عنوان: پروژه‌های معنوی و اخلاقی عاشورا

پدیدآورنده: گلی زاده، غلامرضا

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

صاحب محتوا: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

### چشمه جوشان کربلا

تمامی انبیا و اولیای الهی در سیر و سلوک معنوی انسان، به سوی هدایت و کمال در راستای توحید و یکتا پرستی که در فطرت انسانی زمینه‌های آن وجود دارد، افراد را به هدفی مشترک و روشی واحد فرا می‌خواندند و در این مقصد با یکدیگر تفاوتی نداشتند و آن ستارگان فروزان در جهت تحقق این آرمان مقدس به رسالت مبعوث گردیدند. مهم‌ترین هدف عاشورا نیز اعتلای توحید و محو آثار هر گونه شرک، نفاق و خود خواهی بود. به همین دلیل نباید به حماسه کربلا، به عنوان حادثه‌ای تاریخی نگریست، بلکه لازم است ابعاد وجودی آن را در قلمرو گذشته و آینده و در سیطره زمان و در حیات انسان‌ها مورد توجه قرار داد. در ستیز آدمی به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین، با شیاطین جَنّی و انسی و نمودهای جور و جهل، عاشورا عالی‌ترین راه و رسم زندگی سعادت‌مند را برای جهانیان ترسیم می‌نماید. به علاوه این حرکت مقدس مثل اعلاّی جهاد اکبر و مبارزه بانفس است و در این رهگذر درس درست زیستن، رسیدن به حیات معنوی و کسب مقامات عالی عرفانی و درجات معنوی را در عرصه عمل به مشتاقان کمالات ملکوتی آموخته و در این مورد هیچ ابهامی برای پویندگان طریق حق و عاشقان عدالت باقی نگذاشته است. به همین دلیل قلب‌های اهل معرفت و فضیلت در برابر این مشعل فروزان به تعظیم فرو می‌افتد و آن را بزرگ‌ترین تجلّی مقام والای انسانیت تلقی کرده‌اند. از بارزترین مسائلی که در سیره اهل بیت (ع) عصمت و طهارت مشاهده می‌گردد، تبیین هدف امام حسین (ع) از نهضت عاشورا است. در زیارت اربعین که صفوان جمال از امام صادق (ع) نقل کرده است، می‌خوانیم: «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة» در این عبارت هدف قیام مقدس حسینی برای جلوگیری از انحراف و ضلالت و در راستای رهانیدن جامعه از نادانی بوده است. حضرت امام خمینی؛ که در مکتب تربیتی امام حسین (ع) رشد کرده بود و با تعالیم عاشورایی خود، اوضاع اجتماعی و سیاسی و نیز حالات اخلاقی و تمایلات مردم را متحول ساخت و آنان را در قیام، مبارزه و فداکاری رهرو شهیدان کربلا نمود، اساسی‌ترین محور بیاناتشان در خصوص نهضت حسینی در بُعد اصلاح اجتماعی و نیز تهذیب و خودسازی آحاد جامعه و جلوگیری از عواملی که به این دوتلاش آسیب وارد می‌نماید، جلوه گر می‌شود. و این که برای صیانت از دیانت از کمی نیرو و قدرت زورگویان باید نهراسید و با روح ایثار و فداکاری به ذلت تن در نداد و مرگ سرخ را بر حیات ننگین برگزید. آنان که از چشمه جوشان عاشورا جرعه‌های حیات بخشی نوشیده‌اند، طبق بینش متعالی خویش هم، فرهنگ قرآن و عترت را در زندگی خود پیاده نموده‌اند و جان خویش را سیر ساخته‌اند تا حقیقت و فضیلت به نورافشانی خود ادامه دهد و نیز افراد جامعه را به سوی تعالی و مکارم عالی هدایت کند. شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد می‌نویسد: «... خون حسین ریخته شد و نهضت مقدس او انجام گردید تا آن عباد گمراه، آن اجتماع سرگردان، آن ملت نادان و بی‌خبر از آن وضع دردناک، خلاصی یابد. تا امت بصیرت پیدا کند و دانا شود. از گمراهی و ضلالت نجات یابد تا بداند چه می‌کند و به کجای می‌رود. به چه کسی بار می‌دهد و نیروی انسانی خود را در اختیار چه قدرتی می‌گذارد». به لحاظ تاریخی، نخستین مربی و معلم در جامعه اسلام، شخص رسول اکرم (ص) است که به تعبیر

قرآن کریم «أسوه حسنه» می‌باشد و مورد تأسی صحابه و تابعین و دیگر مسلمانان در اعصار بعد قرار گرفت و این تأثیر پذیری از خاتم رسولان منحصر به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد و استمرار آن قطعی است. رزمندگان صدر اسلام به رغم نداشتن تحصیلات رسمی در مکاتب تربیتی و مراکز آموزشی، از پیامبرشان نکات خوبی را فرا گرفته بودند. وقتی که رستم فرخ زاد از ربیع بن عامر - فرمانده فاتح سپاهیان اسلام - پرسید: هدف شما از نبرد با ما چه می‌باشد؟ وی همانند معلمی توانا که می‌داند چه مقصدی را تعقیب می‌کند و چه کاری انجام می‌دهد، پاسخ داد: «لنخرج العباد من عبادة العباد الی عبادة الله و من ضیق الدنيا (الارض) الی سعتها و من جور الادیان الی عدل الاسلام». امام حسین (ع) نیز به عنوان انسانی والا - و مربی ملتزم و متعهد و نشان دهنده نمونه‌ای از تربیت اسلامی، به همه متصدیان تربیت و پرورش انسان‌ها آموخت که در این مسیر در برابر بدعت‌ها و انحراف‌ها مقاومت کنند، چهره نفاق افکنان و افراد ظاهر ساز و مردم فریب را افشا سازند، از تصفیه و پالایش نیروهای فرصت طلب و جذب انسان‌های خالص، اهل صداقت و دارای انگیزه‌های پاک غفلت نورزید و با اهتمام در تربیت و آماده‌سازی نیروهایی که بتواند ادامه دهنده راه حق و حقیقت باشند، این مسیر را هموار سازند و وصول به هدف‌ها و آرمان‌های آن را امکان‌پذیر نمایند. از زمان امام سجاد (ع) به بعد، ائمه هدی اهتمام داشتند که ماجرای کربلا، یک درس تلقی گردد و برای مسلمانان جنبه تربیتی داشته باشد. البته در عین این که عاشورانسخه آموزنده‌ای برای همه حق جویان است، ماجرای الهی هم می‌باشد؛ یعنی در ضمن آن که همه جهات آن می‌تواند الگو قرار گیرد، ولی در این حماسه، کارهایی اختصاصی انجام شده که تنها از عهده امام حسین (ع) و فرد معصوم بر می‌آید و نکته‌هایی دیده می‌شود که مختص ایشان است، اگر چه امام ماجرا را به گونه‌ای پیش برده که هر کس به کارنامه عاشورا می‌نگرد کاملاً کار امام حسین (ع) را معقول و منطقی درس آموز تلقی می‌نماید؛ در این صورت حرکتش می‌تواند آموزنده باشد. صحنه‌های عاشورا در تمامی ابعادش رشد دهنده هستند و هر یک از افراد حاضر در این صحنه - اعم از پیر و جوان، کودک و نوجوان، زن و مرد - همه أسوه‌های تربیتی اند. در واقع امام حسین (ع) با فداکاری‌های خالصانه و همه جانبه‌اش سرمشق جاویدان مسلمان‌هایی شده که در مقام امامی هدایت آفرین با خون جوشان و تحول آفرین، رهبری الهی و الهام بخش بر اعماق قلوب و اندیشه آنان پرتو افشانی می‌نماید و ضمیر آنها را از امور دنیوی و حالات فناپذیر فراتر می‌برد و به ملکوت و عرش و حقیقت پیوند می‌دهد. یک مورد از این تحولات درونی آن است که آنها را در عرصه‌های زندگی مقاوم و مبارز می‌نماید و به دستشان نهضت‌های الهی را بر ضد قدرت‌های استبدادی بنیان می‌نهد. قیام‌هایی که به اعتراف مورخان و شرح نگاران در تمامی اعصار و جوامع، دگرگونی‌های مطلوب و مفیدی به وجود آورده است و مصالح توده‌های مسلمانان را تا حدودی زنده نموده و حفظ کرده است که نمونه بارز آنها در عصر کنونی، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی است. عباس محمود عقاید می‌نویسد: حسین در روز عاشورا به ظاهر شکست خورد و پیروانش دچار مصائب گشتند، ولی دعوتی به جای گذاشت که پس از آن، قیام‌ها و دولت‌هایی شیعی را پدیدار ساخت، دعوتی که پیش چشم مردم در حله‌ای از نور که پرتوش دیده‌ها را خیره می‌کند نمایان است. علامه طباطبائی به نکته‌ای مهم‌تر و بنیانی‌تر اشاره می‌کند: اسلام زنده این واقعه است و اگر اتفاق نیفتاده بود، بنی امیه اسم و رسمی از اسلام نگذاشته بودند. و در جای دیگر خاطر نشان می‌نماید: واقعه کربلا عامل مؤثری بود که با تأثیر مؤجل خود حکومت بنی امیه را بر انداخت و ریشه شیعه را استوار ساخت. امام خمینی در فراز یکی از بیانات خود، خطاب به علمای حوزه و دانشگاه فرموده‌اند: «اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیت سالم، دعوت کنید به این که با خدا آشنا شوند، با معارف اسلامی آشنا بشوند. اگر این طور شد کشور شما سالم می‌ماند و به سایر جاها سرایت می‌کند...». بدیهی است عاشورا با عزت معنوی و قدرت ملکوتی خود می‌تواند در افراد پرورش‌های پر مایه و سالمی پدید آورد. از این جهت ذیلاً به برخی آموزه‌های تربیتی عاشورا اشاره می‌گردد

اسلام برای تأمین و حفظ مصالح پنج گانه: دین و عقیده، نفس و جان، اموال، نسب و ناموس و عقل و خرد به وجود آمده است و فلسفه اصلی تمامی موازین شرعی و دستورات فقهی، اعم از عبادات، احکام، معاملات و امور سیاسی تضمین مصالح و منافع مرتبط با این احتیاجات و نیازهای زندگی مسلمانان می‌باشد. هر فرد وظیفه شناسی مکلف است حداکثر توان و نیروی خود را برای حفاظت این مقاصد به کار گیرد و در صورت تراحم هر کدام با دیگری به حکم قاعده فقهی «اهم و مهم» باید امور مهم فدای موارد مهم‌تر شود. در میان پنج موضوع مورد اشاره، دین و باورها ارزش والاتری دارند و انسان مسلمان، متعهد و مسئول باید برای صیانت از دیانت مهیا باشد، تا به تعبیر قرآن به (احدی الحُسَینین) (پیروزی یا شهادت) برسد. امام حسین (ع) اُسوه مسلمانان و رهبر جبهه حق، شرافت ایمان و دین را بر جان و مال و فرزندان خویش مقدم داشت و برای بقای اسلام از زندگی عادی خویش چشم پوشید و به همگان آموخت که همه چیز خود را در پیشگاه حق نثار نموده و رضایت پروردگار را جلب کرده و به لقای حق نائل گردیده و با این حرکت حماسی، پایه‌های حکومت خلاف کاران و غاصبان را به لرزه در آورده است و با جوشش خورش که در واقع «نار الله» بود، درخت مطهر اسلام بارورتر گردید و مجد و عظمت آیین محمدی را تجدید نمود: گذشت از سر فرزند و مال و جان و عیالش چو می‌دید می‌توان گذشت از سر دینش امام خمینی در این باره فرموده‌اند: «تکلیف ما در آستانه شهر محرم الحرام چیست؟ تکلیف علمای اعلام و خطبای معظم در این شهر [ماه] چیست، در این شهر محرم تکلیف سایر قشرهای ملت چیست؟ سید الشهداء و اهل بیت آموختند تکلیف را فدای در میدان، تبلیغ در خارج میدان، تکلیف ما را حضرت سید الشهداء و معلوم کرده است، در میدان جنگ از قلت عدد نترسید، از شهادت نترسید.»

### ایجاد روحیه حق طلبی و احقاق حق

نهضت عاشورا دین رسول الله را احیا کرد و آن را از بدعت و تحریف نجات داد. درحقیقت باید خاطر نشان ساخت که آن حضرت صرفاً به خاطر امتناع از پذیرش حکومت یزید و عدم بیعت با او از مدینه خارج نگردید، بلکه برای احیای سنت نبوی که در آن زمان در معرض خطر جدی بود و آداب و رسوم جاهلیت و تبلیغات مسموم اموی جایش را گرفته بود و به منظور ایجاد اصلاح در رفتارهای فردی و اجتماعی و تحقق امر به معروف و نهی از منکر به چنین حماسه‌ای روی آورد. امام خمینی در این باره یاد آور شده‌اند: «آنها (امویان) می‌خواستند اصل اسلام را از بین ببرند و یک مملکت عربی درست کنند». آن روح قدسی در جای دیگر فرموده‌اند: «اگر نبود این نهضت، یزید و اتباع یزید، اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند». امام حسین (ع) با قیام خود به پیروان خویش آموخت که در برابر تحریف اسلام و آلوده نمودن ارزش‌ها و جعل احادیث و ترویج فرقه‌های انحرافی که حکومت جور و ضدعدل را توجیه می‌کنند، نباید خاموش بنشینند. هم چنین احیای فرهنگ قومی و قبیله‌ای و دامن زدن به امتیازها و تعصب‌های نژادی و مفاخر قومی و باب کردن طعن و هجو گروه‌ها و احزاب به یک یگر و ترویج ادبیات منحط آمیخته به جهل، خرافات و اسطوره‌های موهوم، به جای فرهنگ قرآن و عترت کار درستی نمی‌باشد. این برنامه‌ها باروح دیانت در تعارض است، باید در مقابل آنها به مقاومت برخاست. جا حظ امویان را نخستین کسانی می‌داند که آشکارا در تاریخ اسلامی، رسوم و آداب غیر دینی را بدعت گذاشتند و کوشیدند تا از شاهنشاهی ایران و بیزانس تقلید کنند و خلافت را به امپراتوری کسری و قیصری تبدیل سازند. هم چنین قیام عاشورا به حق طلبان می‌آموزد که وقتی به احکام اسلام عمل نمی‌شود و دستورات دینی معطل گذاشته شده و جامعه در فساد و جهل غوطه ور است، امر به معروف و نهی از منکر باید به تحول اوضاع اقدام کند و برای اصلاح اجتماع بکوشد. احیای معیارهای حق و برگرداندن جامعه از سمتی که پیدا کرده، در بیانات و موضع گیری‌های امام حسین (ع) به خوبی بر می‌آید. امام هنگام خروج از مدینه فرموده‌اند: هر کس متابعت کند و سخن حق از من قبول نماید، سعادت و سلامت یابد و هر کس خودداری کند و از دایره اطاعت من بیرون رود صبر کنم تا آن وقتی که خدای تعالی میان من و او حکم کند. حضرت در نامه‌ای خطاب به بزرگان و



رجال می‌نویسد: «انا ادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه فان السنه قد امیتت و البدعه قد احییت؛ من شما را به سوی قرآن و سنت نبوی فرا می‌خوانم، زیرا سنت را میرانده و بدعت را زنده کرده‌اند». در واقع سخن اصلی قیام عاشورا آن است که باید برای اقامه حق قیام کرد، اگر چه مقرون به توفیق ظاهری نباشد.

### ایجاد آگاهی در میان انسان‌های غافل و بیدار کردن فطرت‌ها

در اثر برخی خطاها، بازی‌های سیاسی، هجوم غنایم جنگی و بیدار شدن طمع نهفته و به دنبال آن حرکت انحرافی و تبلیغات مسموم امویان، مسلمانان از اعتقادات و ارزش‌ها فاصله گرفتند و حتی عاطفه و عرق مذهبی آنان رو به کاستی رفت، این گونه دگرگونی‌ها، جامعه را در غفلتی مرگ بار و توأم با ذلت فرو برد. همت و غیرت مذهبی که زمانی مسلمانان را برای ابلاغ پیام دین حق به سرزمین‌های دور دست می‌کشاند، رو به ضعف رفت. دل‌ها و رفتارها با هم هماهنگی نداشت و ضعف در تصمیم‌گیری در جامعه آن روز مشاهده می‌شد. سخن فرزندق خطاب به امام حسین (ع): «قلوبهم معک و سیوفهم علیک» در این باره صادق بود. سکوت کشنده و آزار دهنده، همراه با تأییدهای منفعت طلبانه و سودجویانه برخی خواص تحولات روحی ناگوار در امت اسلامی پدید آورد. امام به رغم این تیرگی فطرت پاک انسانی و روح غیرتمندی را برانگیخت و در روح و نهادشان تحول ایجاد کرد. برای امام کاملاً مشخص و مسلم بود که بذرهایی در مزرعه هستی انسان هاست که در صورت شکوفایی، سعادت واقعی را به دست می‌آورند و خود را از این وضع ذلت بار و غفلتی ویران کننده نجات می‌دهند و به سوی مقاصد والا و مقدس گام برمی‌دارند و از امور پست و فناپذیر فاصله می‌گیرند. در خطبه‌ها و بیانات امام، از مدینه تا کربلا به خوبی عظمت روحی امام و علو مقام ایشان و نیز مسئولیت و تکلیفی که برای دست‌یابی به هدف متعالی حفظ ارزش‌ها و رسوخ آن در روح و روان انسان‌ها دارد، مشخص است. رفتار شناسی دقیق امام در این سخن نهفته است: «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتم یحوظونه ما درت معایشهم فاذا محصوا بالبلای قلّ الدیانون». امام خطاب به دین داران آن زمان و هر عصری هشدار می‌دهد که مردمان بندگان دنیا هستند و این به اظهاراتشان منحصر گردیده است، حمایتشان از دیانت تا زمانی است که زندگی خویش را بگذرانند و اگر در میدان امتحان قرار بگیرند؛ دین داران در اقلیت هستند و به همین سبب با وجود آن که مردم در اعماق گرایش‌های فطری خویش معتقد بودند که طرفدار حق باشند، لیکن این باور را به فراموشی سپردند و قیام عاشورا با کیمیای خود و آگاهی سریع و عمیقش، انسان‌ها را از غفلتی که در پیش گرفته بودند نجات داد و عده‌ای از خفتگان با فریاد حماسه آفرینان عاشورا بیداد شدند و برای جبران مسیر خطایی که پیموده بودند راه توبه پیش گرفتند. عده‌ای نیز که تحت تاثیر تبلیغات مخرب حاکمیت غاصبانه آن زمان، دچار خود باختگی شده و هویت اصیل خویش را در برابر عوامل نفاق، جهل و بیدار از دست داده بودند، چگونه زیستن را از کربلا آموختند. تربیت فکری و شکل‌گیری شخصیت‌ها بر صواب آگاهی‌ها و رشد شناخت‌ها و اصلاح نگرش‌ها گام مهمی است که عاشورایان مربی آن هستند، معرفت‌هایی که با خود آگاهی و روش بینی پیوند خورده‌اند و جهت دهنده گرایش‌های انسانی هستند. عاشورا به همه آموخت که خود را بشناسند، توانایی‌ها، استعدادها، نیازهای اصیل، رسالت و مسئولیت خطیر آدمی در ارتباط با خداوند جهانی هستی، جامعه و تاریخ را ارزیابی و بازنگری کنند. امام حسین (ع) و یاران او تبلور این ایمان سرشارند و آموزگار آن هستند که چگونه تمایلات، احساسات و عواطف خود را جهت دهیم تا تمامی آنها در خدمت اعتقادات، باورها و بنیان‌های دینی به کار گرفته شوند.

### ایثار و فداکاری

عنصری که در عاشورا حضور قطعی، تاثیر گذار و تعیین کننده دارد ایثار است. عشقی ملکوتی که از رحمت الهی سرچشمه می‌گیرد و بر تعلقات وجود فایق می‌آید و رشادت و فداکاری خلق می‌کند. جانبازان کربلا متوقع پیامدهای دنیوی امر به معنای امور

عادی نبودند و سنجش‌های وسوسه‌گر را بر وجود خود حاکم نکردند و اقدام‌های دلیرانه را بر تحلیل‌های خواص و افراد زیرک ترجیح دادند. انسانی که این گونه گذشتی را بر وجود خود چیره ساخت، دنیا را از چشم دیگر می‌بیند، هستی بخش جهان هستی را با معرفتی فوق العاده می‌شناسد. آدمی وقتی دعای عرفه را که نمودهای بسیار عالی روح بزرگوار امام حسین (ع) است، می‌خواند متوجه می‌شود که این فروغ شهادت چگونه مهیای آن فداکاری بی نظیر در صحرای کربلا بوده و آن چنان، جان خویش را در طبق اخلاص می‌گذارد و با اشتیاق به درگاه احدیت نثار کند. هنگامی که امام از مدینه بیرون آمد به خواص خاندان بنی هاشم نوشت: «من لحق بی استشهد و من تخلف لم یبلغ الفتح؛ من راهی را برگزیده‌ام که هر کس در این مسیر به من پیوندد به شهادت می‌رسد و آن که چنین نکند (به من ملحق نشود) پیروزی را در آغوش نخواهد گرفت». به بیان دیگر این حرکت به پیروزی منجر می‌شود، ولی باید این فتح از طریق ایثار و فداکاری و شهادت به دست آید. اگر فردی تشخیص داد که این حرکت به لحاظ وظیفه دینی و شرعی امر لازمی است؛ باید افشاگری کند و امت مسلمان را از خواب غفلت بیدار نماید تا جهان اسلام مسیر صحیح خود را بیابد؛ اگر چه به بهای دادن جانش تمام شود. زنده ماندن و کشته شدن هدف نیست، هدف مقدس بالاتر از این چیزهاست. مصالح و منافع فردی و اجتماعی در بوته مقصدی والا ذوب می‌شوند. امام خمینی در این باره فرموده‌اند: «هر چه روز عاشورا سید الشهداء (ع) به شهادت نزدیک‌تر می‌شد، افروخته‌تر می‌شد و جوانان او مسابقه می‌کردند برای این که شهید شوند؛ همه هم می‌دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. مسابقه می‌کردند آنها برای این که آگاه بودند که ما آماده‌ایم که ادای وظیفه خدایی را بکنیم، آمدم اسلام را حفظ کنیم...». به اعتقاد امام خمینی اگر در ماجرای عاشورا فداکاری و ایثار وظیفه‌ای برای امام سوم تلقی می‌گردید، در پیش گرفتن این روش در وضع کنونی عالم برای ما لازم است. اگر حفظ جان امام (ع) مجوزی برای سکوت و سازش نباشد، حفظ جان دیگران به طریق اولی مجوز خاموش ماندن و نخروشیدن بر علیه بیداد و ستم نخواهد بود. امام خمینی تاکید می‌کند: «مگر خون ما، رنگین‌تر از خون سید الشهداء است. چرا بترسیم از این که خون بدهیم». این بیان، تجلی والای جرعه‌ای از کوثر عاشورای حسینی و طنین خروش اعتراض‌آمیز و ظلم ستیز و جهل سوز امام خمینی است که از شراب طهور قرآن و عترت سیراب گشته است و به سان زمزم هدایتی حیات بخش و چشمه زلال حماسه آفرینی از فراز شخصیت عاشورایی او سرازیر گردیده است.

## توحید عبادی

در سیره نظری و علمی حضرت امام حسین (ع) همچون انبیا و اولیای دیگر، توحید عبادی به وضوح مشاهده می‌شود. بنا به نقل طبری، عصر پنج‌شنبه نهم محرم عمر سعد فرمان حمله داد. حضرت ابوالفضل (ع) از سوی امام حسین (ع) مأمور گردید تا شب عاشورا را از جفاکاران مهلت گیرد و جنگ به روز بعد موکول شود، چرا که سومین فروغ امامت آن شب می‌خواهد به عبادت پردازد: «ارجع الیهم فأن استطعت ان توخرهم الی غدوة و تدفعهم عنا العشیة لنصلی لربنا اللیه و ندعوه و نستغفره فهو یعلم انی احب الصلاة و تلاوة کتابه و کثرة الدعا والاستغفار؛ [ای برادرم] به سوی آنان بازگرد و اگر توانستی همین امشب را مهلت بگیر و جنگ را به فردا موکول کن تا ما امشب را به نماز و استغفار و مناجات با خدایمان بپردازیم، زیرا خداوند خودش می‌داند که من به نماز، تلاوت قرآن و طلب مغفرت و مناجات با او اشتیاقی شدید دارم». از این درخواست حضرت می‌توان به اهمیت توحید عبادی در زندگی اش پی برد، زیرا این موضوع برایش در آن درجه از اهمیت است که از دشمن حيله‌گر در خواست مهلت می‌کند تا شبی را به عبادت بگذرانند. اصولاً امام برای ترویج و زنده ساختن نماز و قرآن و شعائر توحیدی قیام کرد؛ به همین دلیل در زیارت نامه‌اش می‌خوانیم: «و اشهد انک قد اقمت الصلوة». یکی از یاران امام به نام عمرو بن کعب مشهور به «ابو ثمامه صائدی» متوجه گردید که وقت نماز ظهر فرا رسیده است و این موضوع را به اطلاع امام رسانید و افزود: جانم به فدایت گر چه این مردم به حمله‌های متوالی خود ادامه می‌دهند، ولی به خدا سوگند تا مرا نکشته‌اند نمی‌توانند به تو دست یابند. اما من دوست دارم آن گاه به لقای حق نائل

گرم که این نماز آخر را به امامت شما به جای آورده باشم. امام در پاسخ فرمود: «ذکرت الصلوة جعلک الله من المصلین الذاکرین نعم هذا اول وقتها سلوهم ان یکفوا عنا حتی نصلی؛ [ای تمامه] نماز را به یاد ما آوردی، خداوند تو را از نماز گزارانی که به یاد او هستند قرار بدهد، آری، اینک وقت نماز فرا رسیده از دشمن بخواهید که موقتاً از جنگ دست بردارد، تا اقامه نماز کنیم» چون به لشکر دشمن پیشنهاد آتش بس کوتاه مدت داده شد؛ یکی از سران لشکر اموی گفت: نمازی که شما می‌خوانید، خدا قبول نمی‌کند. آن حضرت بدون توجه به تیر باران دشمن با آن گرفتاری و با آن که دشمن حاضر نشد، حتی برای لحظاتی هجوم وحشیانه خود را تعطیل کند، نماز ظهر عاشورا را به جماعت برگزار نمود و به دو نفر از یارانش به نام‌های «زهیر بن قین بجلی» و «سعید بن عبدالله حنفی» فرمود تا پیش روی وی بایستند و سینه‌ها را سپر کنند و جلو حمله دشمن را بگیرند، تا امام نماز خود را بخواند. در حالی که سعید بن عبدالله پس از نماز با بدنی خون آلود و ضعف شدید بر روی خاک افتاده بود، چشمان خویش را گشود و به سیمای امام نگریست و به آن حضرت عرض نمود: «اوفیت یابن رسول الله؟ ای فرزند رسول خدا آیا تکلیف خویش را در مقابل شما انجام دادم؟ سید الشهداء (ع) در پاسخ فرمود: «نعم انت امامی فی الجئ» آری، تو وظیفه ات را به خوبی انجام دادی و پیشاپیش من در بهشت برین هستی. این که امام حسین (ع) می‌بیند دو نفر به دلیل نماز خواندن او، در معرض کشته شدن قرار می‌گیرند و در این باره چیزی نمی‌گوید، خود گویای آن است که می‌خواهد اهمیت نماز را تا آن جا که امکان دارد نشان دهد. در واقع، امام قیام کرد تا مردم بیشتر خداشناس شوند، عبادت کنند و اهل فضیلت گردند، خود گناه نکنند و جلو مفاسد و معاصی را هم بگیرند. امام کشته نشد تا به مردم بگوید که به جای عبادت، عدالت، امانت، درستی و راستی به عزاداری اکتفا کنید. این طرز فکر برای مسلمانان شرم آور است و روح مقدس شهیدان کربلا را که برای مبارزه با گناه و روی آوردن مردم به عبادت و فضایل به شهادت رسیدند، رنج می‌دهد. مردمی که این گونه فکر می‌کنند نه تنها با روح نهضت ابا عبدالله (ع) به مخالفت برخاسته‌اند، بلکه با سرمایه شهادت امام و یارانش دستگامی در مقابل حلال و حرام خداوند و ثواب و عقاب پروردگار به راه انداخته‌اند. امامی که در ناگوارترین و خطرناک‌ترین شرایط، از دعا و عبادت و مناجات با خداوند دست بر نمی‌دارد و دو نفر از یارانش را به هنگام نماز ظهر عاشورا بر حسب ظاهر از دست می‌دهد، چگونه راضی می‌شود که کسی به جای نماز، به عزاداری برای او اکتفا کند و یا با اطمینان کامل به طرفداری امام از او، واجبات را انجام ندهد و حرام‌ها را مرتکب شود. به قول مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی، عزاداری برای فداکاران عاشورا باید سوگواران را دین شناس کند و به خدا نزدیک سازد و از معاصی بر حذر دارد و مجالس عزای هنگامی موجب خشنودی خدا و سبب اجر اخروی است که در حدود بندگی خدا انجام گیرد و مشتمل بر دروغ، تحریف و حرامی نباشد.

### مقاومت، پایداری و شکیبایی

یکی از عواملی که بر درخشندگی و فروزندگی حماسه حسینی می‌افزاید، این است که وقتی امام و یارانش با حوادث تلخ و ناگوار و احیاناً هر گونه سدی در برابر هدف مقدس خویش مواجه می‌گردیدند به هیچ عنوان از تصمیم اصلی خود مبنی بر مبارزه با باطل، افشای جنایات و دفاع از حق، منصرف نگردیده و از خویش ضعف و سستی نشان نداده‌اند. در منزل شقوق مردی که از کوفه آمده بود، اخباری از این شهر به استحضار امام رسانید که کاملاً بر ضد نامه‌ها و دعوت‌های ساکنین این دیار بود، زیرا وی خاطر نشان ساخت مردم عراق در مخالفت با شما متحد و هماهنگ گردیده و بر جنگ با شما هم پیمان شده‌اند. حضرت در مقابل این تحولات غیر منتظره نه تنها ذره‌ای از موضع قبلی عقب نشینی نمی‌کند، بلکه به راه خویش ادامه می‌دهد و بر مقاصد والای خود پافشاری می‌کند و با سرودن اشعاری، زندگی روزمره فناپذیر دنیا را بی ارزش نشان داده و یارانش را مصمم‌تر و نیرومندتر می‌سازد. در پاسخ مردی از کوفه که «ابوهرم» نام داشت، وقتی از امام پرسید: چه انگیزه‌ای تو را وادار نمود که از حرم جدت بیرون

آیی؟ امام فرمود: بنی امیه حرمت ما را در هم شکستند، ولی من صبر و شکیبایی را پیش گرفتم. بنا به قول ابن قولویه و مسعودی، وقتی امام حسین (ع) نماز صبح را به جای آورد و رو به سوی نمازگزاران نمود و بعد از سپاس خداوند به آنان فرمود: «ان الله تعالی اذن فی قتلکم و قتلی فی هذا الیوم فعلیکم بالصبر و القتال، خداوند به کشته شدن شما و من در این روز اذن داده است و بر شماست که صبر و استقامت در پیش گرفته با دشمن بجنگید». در این سخنان، حسین بن علی (ع) تاکید می‌فرماید: کشته شدن به امر پروردگار است و پایداری در برابر مخالفان باید روش مبارزان مؤمن باشد؛ به علاوه روح پایداری از ارتباط با پروردگار به دست می‌آید و باید در میدان رزم از عبادت و پرهیزگاری مدد گرفت: «استعینوا بالصبر و الصلاة». نابرابری دو سپاه از نظر تعداد و نیرو و سلاح جنگی و نیز محاصره امام و یاران و منع شدن آنان از آب و آذوقه شرایط بسیار آشفته‌ای را بر سلحشوران عاشورا تحمیل کرده بود. در این حال، امام بیعت را از یارانش برداشت و به آنها فرمود: از تاریکی شب استفاده کرده و بروید و افزود: اهل بیت و بستگان مرا نیز همراه خود ببرید، امیا آنان سختی‌ها و فشارها را بر خود هموار نمودند و به خود اجازه تنها گذاشتن امام را ندادند. سید قطب در تفسیر فی ضلال القرآن ذیل آیه (انا لننصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاة الدنیا) می‌نویسد: در آیه مذکور خداوند وعده می‌دهد که رسولش و مؤمنان را در دنیا یاری می‌کند؛ در صورتی که می‌دانیم بر حسب ظاهر پیامبران شکست خورده‌اند، آن وقت برای این که نشان دهد چگونه مؤمنی در حیات این جهان پیروز است می‌گوید: اگر می‌خواهی چنین فتحی را درک و لمس کنی، روز عاشورا به کربلا برو. انسانی که تمام اهل خانه‌اش در اسارت دشمن می‌باشد، یارانش کشته شده‌اند، خویشاوندانش به شهادت رسیده‌اند، باز قد علم کرده و یک تنه مبارز می‌طلبد و برایش شکست مفهومی ندارد. تا لحظه مرگ استوار و مقاوم ایستاد، گرچه به شهادت رسید، در هدف و مقصد خویش فتحی بزرگ را به دست آورد.

### قاطعیت، صراحت و صداقت

سومین فروغ امامت، حضرت امام حسین (ع) در برابر غاصبان و خلاف کاران لحظه‌ای نرمش نشان نداد، نه از ساز و برگ نظامی دشمن هراسی داشت و نه فضای اختناق سیاسی امویان بی‌می در دلش می‌افکند و نه آن که از کمی نیروی حمایت کننده‌نگران بود. با خدای خویش پیمان بسته بود که رضای حق را بر هر چیز دیگری مقدم بدارد، اگر تمام جهان علیه او قیام می‌کردند دست از حق و حقیقت بر نمی‌داشت. در زیر شمشیرها و نیزه‌ها و سُم‌اسب‌های دشمنان با قاطعیتی تزلزل‌ناپذیر و در مقابله با دشمن بس قوی، خونخوار و بی رحم فریاد زد: ما با این نیروی اندک در برابر خصم با قدرت به جنگ اقدام می‌کنیم؛ اگر پیروز شویم تازگی ندارد و اگر کشته شویم، دنیا می‌داند که مغلوب نشده‌ایم و اگر بدن هایمان در زیر سم اسبان پاره پاره گردید در اراده ما خللی وارد نگردیده است. موقعی که برخی از خواص امام را از عواقب خطرناک مخالفت با دستگاه اموی و اقدام به جنگ بر حذر داشتند و محمد حنفیه (برادرش) عرض کرد تا آنجا که امکان دارد در شهر معینی اقامت نکنید، امام فرمود: «اگر در تمام این دنیای وسیع، هیچ پناهگاه و مأوایی نباشد باز هم با یزید بیعت نخواهم کرد. امام حسین (ع) با اتکا به اصل ایمان و عقیده در مسیری که پیش گرفته بود، صداقت و صراحت داشت، اگر چه شیوه مذکور برای شخص او با خسران توأم بود. در منزل «زباله» امام با نامه‌ای رسمی از شهادت مسلم بن عقیل، هانی و عبدالله یقطر آگاهی یافت، حضرت در حالی که این مکتوب را در میان یارانش به دست گرفته بود، فرمود: خبر تأسف انگیزی به دست ما رسیده و شیعیان دست از یاریمان برداشته‌اند، اینکه هر یک از شما که بخواهد باز گردد، آزاد است و از سوی ما حقی بر گردنش نمی‌باشد. این طرح و پیشنهاد نه یک بار و نه در یک منزل، بلکه در موارد مختلف و به مناسبت‌های گوناگون مطرح گردید. حتی در منزل بطن عقبه که تنها گروهی معدود و با صداقت و استقامت و فداکار به عنوان یاران امام باقی ماندند، باز هم موضوع مذکور با بیانی دیگر، اما صراحتی افزون‌تر از سوی امام حسین (ع) عنوان گشت. البته این برخوردهای آزاد منشانه با حالتی از مهربانی و عطف هم توأم بود و گویا هدف امام تلاش گسترده در جهت آموزش و تربیت

نسلی خالص، فداکار و پرهیزگار است. سخنان امام در شب عاشورا مؤید این نکته است: اما بعد، یارانی شایسته‌تر و بهتر از یارانم نمی‌شناسم و خاندانی از خاندان خودم نکوتر و خویش دوست‌تر سراغ ندارم، بدانید که به شما اجازه می‌دهم با رضایت من همگی بروید که حقی بر شما ندارم. این که شب شما را در بر گرفته و آن را وسیله‌ای برای رفتن خود قرار دهید. امام خمینی از این شیوه حضرت سیدالشهدا کاملاً الهام گرفته بود و صلابت و استقامت ایشان در مقاطع دشوار قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست. امام خمینی در جایی گفته است: «خیال نکنید از هیاهو و جنجال می‌ترسم، اگر تمامی این جمعیتی که فریاد بر می‌آورند: درود بر خمینی، زمانی خلاف آن را بگویند برایم تفاوتی نخواهد داشت، کاری به هیاهو ندارم به تکلیف شرعی ام می‌پردازم و همین و بس». و نیز تاکید نموده‌اند: «من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام، چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است، دفاع از اسلام و... اصل خدشه‌ناپذیر جمهوری اسلامی است.»

### غیرت و عزت

بنیاد، اساس و محور منطق حسینی این است که زندگی در زیر سلطه اهل ستم با مرگ و نابودی تفاوتی ندارد و کشته شدن در راه مبارزه با موانع حق به آدمی حیات معنوی می‌دهد و او را از ذلت می‌رهاند: «انی لا اری الموت الا سعادة و لا الحیوة مع الظالمین الا برما». امام حتی بر این باور است که اساساً زیستن با اهل طاغوت با زبونی و خواری قرین است و این گونه سازش، ننگی است که با ایمان و کرامت انسانی سازگاری ندارد، پس باید مرگ سرخ توأم با شرافت را بر این نوع زندگی ذلیلانه ترجیح داد و به حماسه‌ای شکوهمند که شیوه مردان حق است، دست زد. سرچشمه این نگرش و بینش شگرف، ایمان و اعتقادی راستین است که دل و روح مردان خدا را از تعلقات مادی و امور پست و فناپذیر می‌رهاند و به ابدیت پیوند می‌زند و آنها را از روی اختیار و با حالتی پرنشاط و توأم با اشتیاق به قربانگاه حق می‌برد. همین ویژگی‌ها موجب گردید که رسول اکرم (ص) درباره امام حسین (ع) بفرماید: «ان الحسین بن علی مصباح هدی و سفینه نجاه و امام خیر و یمن و عز و فخر؛ حسین بن علی (ع) چراغ هدایت، کشتی نجات، پیشوای سعادت و خجستگی و امام عزت و افتخار است». عبدالله زبیر که درباره تهدید یزید مبنی بر گرفتن بیعت از او، افکار نگران کننده‌ای در ذهن می‌پرورانید و با وجود شهرت سیاسی اجتماعی در هاله‌ای از رعب و هراس به سر می‌برد، نظر امام حسین (ع) را در خصوص بیعت با یزید جویا گردید. حضرت وقتی آشفتگی و سراسیمگی را در چهره این شخص دید، فرمود: من کسی نیستم که زیر بار ذلت روم و با بی تدبیری خود را به آسانی در پنجه دشمن اسلام و قرآن گرفتار سازم و چون مروان اموی از امام خواست به بیعت با یزید تن در دهد که برای دین و دنیایش بهتر است، امام با شجاعت و صراحت فرمود: بر اسلام، سلام باد! هنگامی که رهبری امت اسلامی به عهده فردی چون یزید ناپاک گذارده شود، به خدا قسم! از جدّم رسول اکرم (ص) شنیدم که فرمودند: رهبری و زعامت بر آل ابی سفیان حرام است. در واقع امتناع از بیعت با یزید سرآغاز عزت مندی، شکست ناپذیری و عظمت قیام کربلا گردید و از آن زمان پیوسته این شکوه مندی و غیرت حسینی تکرار گشت و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی از این هدف والا و پاک دست بر نداشت. در روز عاشورا، آن گاه که سپاه ستم رویاروی امام و یارانش قرار گرفت و لشکر عمر سعد از هر سو امام و یارانش را چون نگین انگشتری محاصره کرد، آن وجود مقدس چون خورشید تابان از میان سپاه خود بیرون آمد و در برابر صفوف دشمن قرار گرفت و فرمود: آگاه باشید! که این فرومایه (عبیدالله بن زیاد) فرزند فردی پست، مرا میان دو راهی شمشیر و زبونی قرار داده است، هرگز ما زیر بار ذلت نمی‌رویم. زیرا خداوند، رسولش و مؤمنان از این که ما به چنین ننگی روی آوریم، شرم دارند و دامن‌های مطهر، مادران و انسان‌های پاک و اندیشه‌های غیرتمند و نفوس با شرافت جابر نمی‌دارند که ما پیروی از لثیمان و اهل دنائت را بر قتلگاه انسان‌های با کرامت و نیک منش برتری دهیم. در اوج حماسه آفرینی، آن گاه که امام به عرصه رزم گام نهاد تا لحظه‌ای که به شهادت رسید، در رجزهایش این نکته فرو زندگی داشت: مرگ، از پذیرش ذلت بهتر است و شکست

ظاهری، از ورود در آتش سزاوارتر است. از آن جا که امام حسین (ع) از ایجاد انحراف و بدعت در آیین محمدی (ص) جلوگیری کرد و مجد و عظمت را برای مسلمانان به ارمغان آورد و اوضاع نابسامان عصر خویش را اصلاح کرد و مردم را از جاهلیت امویان رها کنید، می‌توان گفت: قیام عاشورا پیوندی ناگسستنی با بعثت رسول اکرم (ص) دارد و در عبارت: «حسین منی و انا من حسین» که گوهر افشانی حضرت محمد (ص) است، چنین حکمت‌هایی را در درون خویش دارد. امام حسین (ع) در قیام خود به همه انسان‌ها آموخت که انسانیت بالاتر از هر چیزی است و کرامت نفس، ارزشی برتر از معادلات و محاسبه‌های منفعت‌گرایانه فردی و اجتماعی دارد. صاحبان عزت نفس، هرگز خواسته‌های دل را زمینه ساز حقارت، زبونی و خواری نمی‌کنند. آدمی باید پاسدار کرامت وجودی خود باشد و ارزش‌های مقدس و فوق مادی را با تمایلات فناپذیر و هوس‌های ناپایدار و خواسته‌های ذلت آور مخدوش و آلوده نسازد. وقتی شخصی با عزت نفس و روحیه‌ای شکست‌ناپذیر به صحنه‌های اجتماعی و عرصه‌های گوناگون گام می‌نهد، توانایی‌های درونی و فرآیندی فروزان را با خود، چون چشمه‌ای در میان آحاد مردم جاری می‌کند. چنین اجتماعی وقتی از عزت و کرامت والا و مثبت و سازنده سرشار گردید و به هویت اصیل، افتخارهای معنوی و اهداف مقدس خویش تکیه نمود؛ کمتر تحت تأثیر هجوم فرهنگی و تبلیغی طوفان استکبار و زورگویی جهانی قرار می‌گیرد. وقتی عزت و افتخار حسینی در شریان‌های اعتقادی، فکری و عاطفی امتی جریان یابد، دشمنان و جناح باطل قادر نخواهند بود به اهداف و مقاصد پلید و آلوده خویش دست و پا زند. بی‌جهت نیست که مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای فرموده‌اند: «چشم‌ها و دل‌ها از چهره مبارک و منور سیدالشهدا امید و نور می‌گیرند».

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی‌آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث‌های بی محتوا در تلفن‌های همراه و رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.  
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...  
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)  
ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...  
ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بپزدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

